

An Inquiry into the Identity of Permeation in Jurisprudence and Criminal Law (Legal Compensation for the Identity of Permeation)

Majid Ghoorchi Beigi¹, Yousef Fatemi Nia², Taha Zargarian^{3*}

1. Assistant Professor, Criminal Law and Criminology Department, Khwarazmi University, Tehran, Iran
2. Department of Forensic Jurisprudence, Legal Medicine Research Center, Legal Medicine Organization, Tehran, Iran
3. PhD Candidate in Jurisprudence and Criminal Law, Department of Criminal Law and Criminology, Khwarazmi University, Tehran, Iran

Article Info

Received: 29 Oct 2018
Accepted: 03 Mar 2018
Published Online 03 Mar 2018

DOI:
10.30699/epub.sjfm.23.4.251

Review Article

Use your device to scan
and read the article online



Abstract

The Legislator in Islamic Punishment Code, in several articles, has put the title of “permeation” under its legislation. Legislation in every subject, requires that, in the first place, we explain the identity of the subject and recognize every aspect of it. However, the legislator, without identifying his definition of “permeation”, has delved into the legislation in this field, which leads to several ambiguities for experts in forensics. Passing of time is an essential condition for realization of the identity of “permeation”; this has been discussed in Common Law in which the passing of one year and one day was a condition for realization of the “permeation”. It is of paramount importance that the identity of ‘permeation’ is a jurisprudential innovation, something the legislator has profited a lot. Therefore, it would be better if the legislator explained his definition of ‘permeation’ by presenting the conditions for the realization of the identity of ‘permeation’. A descriptive-analytic method was used and the essential information was gathered through library studies in Jurisprudential, legal, medical and other books. This essay lead to the conclusion that the realization of the identity of ‘permeation’ depends on two conditions: 1. The existence of two crimes; 2. A causal relation. The passing of time is only a prevalent requirement of ‘permeation’, not an essential part of it.

Keywords: Permeation, Causal Relation, Passing of Time, One Year and One Day

Corresponding Information

Taha Zargarian, PhD Candidate in Jurisprudence and Criminal Law, Department of Criminal Law and Criminology, Khwarazmi University, Tehran, Iran. Email: Tahazargariyan93@gmail.com

How to Cite This Article:

Ghoorchi Beigi M, Fatemi Nia Y, Zargarian T. An Inquiry into the Identity of Permeation in Jurisprudence and Criminal Law (Legal Compensation for the Identity of Permeation) . Ir J Forensic Med. 2018; 23(4): 251-260.

جستاری در ارکان ماهیت سرایت در فقه و حقوق کیفری (خلاءدایی قانونی از ماهیت سرایت)

مجید قورچی بیگی^۱، یوسف فاطمی نیا^۲، طه زرگریان^۳*

۱. استادیار، گروه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران
۲. گروه فقه پزشکی، مرکز تحقیقات پزشکی قانونی، سازمان پزشکی قانونی کشور، تهران، ایران
۳. پژوهشگر، مرکز مطالعات فقهی پزشکی قانونی، دانشجوی دکتری فقه و جزاء، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

چکیده	اطلاعات مقاله
<p>قانون گذار در کتاب قانون مجازات اسلامی در مواد متعددی، اصطلاح سرایت را موضوع قانونگذاری قرار داده است. قانون گذاری پیرامون هر موضوعی ایجاب می کند که در گام نخست، ماهیت موضوع مد نظر به شکل کامل تبیین شده و همه ارکان اساسی آن ماهیت شناسایی شوند اما قانون گذار بدون آنکه منظور خود را از واژه سرایت مشخص کند به تقنین در این باره پرداخته که این امر سبب ابهامات فراوانی برای کارشناسان پزشکی قانونی شده است. یکی از محورهای اختلاف نظر درباره ماهیت سرایت، بحث گذشت زمان به عنوان شرطی اساسی در تحقق ماهیت سرایت است، این موضوع در نظام حقوقی کامن لا توجه قرار گرفته است؛ به گونه ای که تا سال ها، گذشت زمان یک سال و یک روز، شرط تحقق سرایت شمرده می شد. حائز اهمیت است که ماهیت سرایت از ابداعات فقهی است که قانون گذار از آن بهره است. بنابراین شایسته بود تا که قانون گذار با برشمردن شروط تحقق ماهیت سرایت، اقدام به بیان مفهوم و منظور خود از اصطلاح مد نظر کرد. هدف پژوهش حاضر، یافتن ارکان تحقق ماهیت سرایت است. روش بررسی پژوهش حاضر بر اساس منطق توصیفی-تحلیلی است که ابزار گردآوری اطلاعات برای تضارب آرا و ارزیابی استدلالی، به صورت تحقیقات کتابخانه ای اعم از مطالعه کتب فقهی، حقوقی، پزشکی و قوانین مربوطه است. پژوهش حاضر با شناسایی خلاء قانونی درباره ماهیت سرایت و ارزیابی آرای مختلف، ادله روایی و مفهوم شناسی عمیق از واژگان کاربردی به این نتیجه رهنمون شد که تحقق ماهیت سرایت منوط به دو شرط وجود دو جنایت و رابطه سببیت است و گذشت زمان فقط از ملزومات شایع سرایت است نه از ارکان ماهیت سرایت.</p>	<p>تاریخ وصول: ۹۶/۰۸/۰۷ تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۲/۱۲ انتشار آنلاین: ۹۶/۱۲/۱۲</p> <p>نویسنده مسئول: طه زرگریان پژوهشگر، مرکز مطالعات فقهی پزشکی قانونی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران</p> <p>پست الکترونیک: Tahazargariyan93@gmail.com</p>
<p>کلیدواژه ها: سرایت، رابطه سببیت، گذشت زمان، یک سال و یک روز</p>	

مقدمه

مسئله سرایت در فقه اسلامی در باب‌های مختلف، از جمله در باب حدود، قصاص و دیات به طور مکرر به کار رفته است و موضوع بسیاری از احکام جزایی قرار گرفته است. قانون‌گذار به تبعیت از فقه اسلامی، مسئله سرایت را موضوع قوانین کتاب مجازات اسلامی قرار داده است، هرچند قانون‌گذار مواد متعددی را به مسئله سرایت اختصاص داده و از آن راه به بیان احکام و آثار سرایت اقدام کرده است لکن آنچه در این میان از آن غفلت واقع شده است و موجبات سردرگمی کارشناسان قضایی و پزشکی قانونی را فراهم آورده است؛ چیستی ماهیت سرایت است؟ بر محققان عرصه فقه و حقوق پوشیده نیست که برای ورود به شرح و بسط مسائل حقوقی و وضع قوانین ناظر بر آنها، گام نخست؛ ضرورت ماهیت‌شناسی موضوع و شناخت ارکان موضوع مد نظر است. بر این اساس شایسته بود که قانون‌گذار قبل از ورود به مرحله تبیین آثار و احکام سرایت، نسبت به معرفی ارکانی که لازمه تحقق ماهیت سرایت است اقدام می‌کرد؛ زیرا بدیهی است که شرح و بسط احکام فقهی - حقوقی دایره مدار فهم ارکان ماهیت موضوع مدنظر است.

مفهوم‌شناسی

جنایت در لغت

واژه جنایت، لغتی عربی و معنای اصیل و حقیقی آن نزد لغویان، چیدن میوه از درخت است (۱)، استعمال واژه جنایت در معنای گناه و جرمی که ارتکاب آن موجب کیفر در دنیا و آخرت است، از معنای مجازی جنایت است (۲).

جنایت در اصطلاح

واژه جنایت در دو معنای عام و خاص استعمال می‌شود؛ معنای عام واژه جنایت، معادل واژه ذنب یا معصیت است که گستره‌ای از معانی گناه و انجام دادن هر کار حرام یا تعدی به مال یا جان افراد یا چیزهای دیگر را دربر می‌گیرد (۳)، گروهی از قدما، گستره معنای جنایت را در مفهومی فراتر از صدمه زدن به تمامیت جسمی انسان و حیوان به کار برده و بر خساراتی که حیوانات به اموال دیگران می‌زنند نیز جنایت اطلاق کرده‌اند (۴)، اما جنایت در معنای خاص فقهی آن، وارد کردن صدمه بدنی به فرد دیگر است؛ اعم از کشتن، ایراد جراحت و یا شکستگی و مانند این‌ها (۵).

سرایت در لغت

واژه سرایت از ریشه‌های «سری، یسری، سُرّی و سُرّیا» به معنای سیر کردن شبانه است «السری: سیر اللیل» (۶)، از این رو هر آنچه را که در شب طی طریق کند، «سار» می‌خوانند «و کل شیء طرق لیلًا فهو سار... الساریة» (۷)، واژه «سری» در آیات قرآن کریم به معنای حرکت کردن آمده است (اسراء: ۱؛ هود: ۸۱؛ مریم: ۲۴؛ طه: ۷۷)، علمای لغت در معنای واژه سرایت به تأثیر و اثر کردن چیزی در چیزی و درگذشتن از چیزی اشاره کرده‌اند (۸)، همچنین معنای مانده؛ اشاعه، انتقال، شیوع و واگیری برای معنای واژه سرایت ذکر شده است (۹).

موضوع‌شناسی

فقه‌های اسلام درباره واژه سرایت در باب‌های فقهی عتق (آزاد کردن بردگان)، یمین (سوگند)، حدود، قصاص و دیات بحث و بررسی بسیاری کرده‌اند (۱۰). سرایت در حوزه مطالعات عتق، از اسباب آزادی بردگان شمرده می‌شود هرگاه مولا بخشی از برده خود را آزاد کند، آزادی به همه برده سرایت کرده و او آزاد می‌شود. سرایت در سوگند، از کاربردهای دیگر واژه سرایت در فقه اسلامی است؛ فردی که با سوگند خوردن، گوشت یا شیر حیوانی را بر خود حرام کرده، آیا این حکم

مسئله سرایت در فقه اسلامی در باب‌های مختلف، از جمله در باب حدود، قصاص و دیات به طور مکرر به کار رفته است و موضوع بسیاری از احکام جزایی قرار گرفته است. قانون‌گذار به تبعیت از فقه اسلامی، مسئله سرایت را موضوع قوانین کتاب مجازات اسلامی قرار داده است، هرچند قانون‌گذار مواد متعددی را به مسئله سرایت اختصاص داده و از آن راه به بیان احکام و آثار سرایت اقدام کرده است لکن آنچه در این میان از آن غفلت واقع شده است و موجبات سردرگمی کارشناسان قضایی و پزشکی قانونی را فراهم آورده است؛ چیستی ماهیت سرایت است؟ بر محققان عرصه فقه و حقوق پوشیده نیست که برای ورود به شرح و بسط مسائل حقوقی و وضع قوانین ناظر بر آنها، گام نخست؛ ضرورت ماهیت‌شناسی موضوع و شناخت ارکان موضوع مد نظر است. بر این اساس شایسته بود که قانون‌گذار قبل از ورود به مرحله تبیین آثار و احکام سرایت، نسبت به معرفی ارکانی که لازمه تحقق ماهیت سرایت است اقدام می‌کرد؛ زیرا بدیهی است که شرح و بسط احکام فقهی - حقوقی دایره مدار فهم ارکان ماهیت موضوع مدنظر است.

مواد و روش‌ها

از آنجا که کتاب قانون مجازات اسلامی نسبت به تفسیر فنی ماهیت سرایت ساکت است، در پژوهش حاضر تلاش شده است با استفاده از روش استدلالی، آرای مختلف فقهی - حقوقی ارزیابی منطقی شود تا یافته‌های پژوهش براساس روش توصیفی - تحلیلی تنظیم شود. همچنین روش گردآوری اطلاعات در پژوهش حاضر به صورت کتابخانه‌ای بوده و اطلاعات لازم، مستخرج از کتب معتبر فقهی، حقوقی و پزشکی است.

یافته‌ها و بحث

براساس ارزیابی منابع فقهی، روایی و قانونی نتیجه می‌گیریم که تحقق ماهیت سرایت منوط به گذشت زمان به عنوان یک شرط اساسی نیست بلکه مشروط به دو شرط اساسی ذیل است که به اختصار به آن‌ها اشاره می‌شود:

الف- وجود دو جنایت: منظور از دو جنایت این است که هر جنایت لازم است از ماهیت مستقل از جنایت دیگر باشد.

ب- احراز رابطه سببیت: هرگاه متخصصان امر تشخیص دادند که جنایت دوم یا جنایت سوم، اثر و سبب جنایت قبل از خود بوده بنابراین شرط دوم ماهیت سرایت تحقق یافته است.

شرایط تحقق ماهیت سرایت چیست؟ واژه سرایت در دانش پزشکی بیانگر معنای انتقال مرض بوده و گویای مفهوم اصطلاح سرایت از منظر دانش فقه و حقوق نیست لکن بدیهی است که مرجع شناخت ماهیت سرایت، دانش پزشکی نیست؛ زیرا سرایت از ابداعات فقهی است که هرچند مرتبط با حوزه پزشکی است اما متکفل تبیین مفهوم اصطلاح مدنظر، واضع بدیع یعنی دانش فقه و حقوق است. اهمیت پژوهش حاضر از

نفسه» (۱۳). مثال‌های دیگر در این‌باره از این‌قرار است که اجرای قصاص به‌وسیله آهن یا شمشیری سمی صورت گرفته و در این هنگام به‌واسطه ایراد جراحت بر جانی، سم در بدن سرایت کرده و مجنی‌علیه فوت می‌کند «و لو اقتص بحدیة مسمومة، فسری إلى النفس» (۱۴)، یا اینکه، فردی عمدی جراحی بر دیگری وارد کند، ولی به علت ترک مداوا از سوی مجنی‌علیه، جراحت سرایت کرده و منجر به جنایت بر نفس گردیده است «جرحه عمدا فسری الجرح علیه و مات و إن أمکنه المداوة لأن السرایة مع ترکها من الجرح» (۱۵) همچنین از مثال‌های سرایت جنایت به نفس، هنگامی است که مسلمانی دست دمی را قطع کند، لکن دمی، مسلمان شده و جراحت وارده سرایت بر نفس او کند «فلو قطع مسلم ید دمی فأسلم ثم سرت»، «إن جرحه جرح ثم عاد إلى الإسلام فسری إلى نفسه فمات» (۱۶).

سرایت جنایت به عضو

یکی از خاستگاه‌های بحث سرایت در کلام فقها هنگامی است که ضرب یا جرح وارد آمده بر مجنی‌علیه، سرایت کرده و منجر به آسیب در عضوی از اعضای مجنی‌علیه شود، «جرحه فی عضو فسری إليه فی عضو آخر» (۱۷). مانند آنکه؛ قطع انگشت در مجنی‌علیه سرایت کرده و موجب قطع کف دست شود، «قطع إصبعاً فسرت إلى کفه، أو جرحه فسری إليه» (۱۸)، همچنین که جراحت قطع کف دست، سرایت کرده و منجر به قطع ساعد شود «قطع کفه فسری إلى ساعده» (۱۹).

سرایت جنایت به منفعت

یکی دیگر از خاستگاه‌های بحث سرایت در منابع فقهی، موضوع سرایت جنایت به منافع است؛ گروهی از فقها عنوان سرایت را برای حالتی به کار برده‌اند که جنایت وارد شده بر عضو، منفعت را هم تحت تأثیر خود قرار داده و موجب زوال منفعت شده است، مانند آنکه، جانی، گوش مجنی‌علیه را قطع کند و این جنایت سرایت کرده و منجر به ناشنوایی مجنی‌علیه شود «لو قطع الأذن مثلاً فسری إلى السمع» (۲۰).

با تتبع در مصادیق فوق می‌توان ارکان ماهیت سرایت را در کلام فقها به ترتیب ذیل احصا نمود کرد:

۱- وجود دو جنایت: آنچه در تمام موارد سرایت جنایت اعم از مصادیق سرایت به نفس، سرایت به عضو یا سرایت به منفعت، قابل رؤیت است، وجود دو جنایت است؛ نخست، جنایتی که جانی آن را با ضرب یا جرح بر عضوی از اعضای مجنی‌علیه وارد ساخته و به عنوان جنایت اولیه شناخته می‌شود، و دوم، جنایت حادث از جنایت اولیه است زیرا در مصادیق مذکور به صراحت قابل رؤیت است که جنایت نفس یا قطع عضو یا زوال منفعت، همگی علاوه بر جنایت اولیه تحت عناوین مستقلاً از جنایات، ایجاد می‌شود.

۲- رابطه سببیت: تحقیق از مصادیق سرایت جنایت در همه موارد بیانگر آن است که لازم است جنایت دوم در اثر جنایت اول باشد، به سخن دیگر، لازم است جنایت دوم در طول جنایت اول بوده و مسبب آن باشد. بر این اساس احراز رابطه سببیت میان جنایت اول و دوم از مؤلفه‌های اساسی

به بچه‌های آن حیوان نیز سرایت می‌کند یا خیر؟ باب‌های حدود، قصاص و دیات خواستگاه کاربردهای مهم و پرتکرار واژه سرایت در فقه اسلامی است. سرایت در باب‌های مذکور بیانگر مفهوم سرایت جنایت است. مراد از سرایت در جنایت آن است که جنایت بر عضوی - آسیب رساندن یا بریدن - موجب آسیب دیدن یا قطع عضوی دیگر، و یا منجر به مرگ آسیب‌دیده شود. تمرکز نوشتار حاضر، موضوع سرایت به معنای اخیر یعنی سرایت جنایت است.

مؤلفه‌های تحقق ماهیت سرایت جنایت

برای شناخت ماهیت سرایت جنایت در فقه اسلامی، بدیهی است که باید به منابع قرآنی، روایی و فقهی رجوع کرد. لکن تحقیقات صورت گرفته حاکی از آن است که مفهوم سرایت جنایت در قرآن کریم به کار نرفته است آنچه ملاک تحقیق و بررسی در پژوهش حاضر خواهد بود، منابع لغوی، فقهی، و روایی است. از آن رو که واژه سرایت از ابداعات فقها است و در روایات تنها به مفهوم سرایت اشاره شده است. مقاله حاضر در گام نخست، سرایت جنایت را در منابع فقهی بحث‌وبررسی می‌کند، آنگاه به ارزیابی روایی می‌پردازد.

سرایت در منابع فقهی

بسیاری از فقها موضوع سرایت را در باب قصاص، ذیل مباحث قتل عمد و جراحات عمدی بحث‌وبررسی کرده‌اند، بررسی‌های موجود در این‌باره حاکی از آن است که فقها به مفهوم ماهیت سرایت به‌شکل خاص، التفات نکرده‌اند و اغلب نقطه نظرات ایشان، متمرکز بر احکام و آثار سرایت جنایت است. بسیاری از فقهای اسلامی، موضوع سرایت جنایت را با ذکر مثال‌های متعددی از مصادیق سرایت جنایت به بحث‌وبررسی گذاشته و گروه قلیلی از فقها، بدون ذکر مثال خاص از سرایت جنایت به شکل مستقل، اقدام به تعریف سرایت کرده‌اند.

مصادیق سرایت جنایت در کلام فقها: فقهای اسلامی

سرایت جنایت را در سه مصداق کلی اعم از سرایت جنایت به نفس، سرایت جنایت به عضو و سرایت جنایت به منفعت بحث و تفحص کرده‌اند.

سرایت جنایت به نفس

موضوع سرایت جنایت به نفس در مثال‌هایی بحث‌وبررسی شده است که ضرب یا جرح اولیه سرایت کرده و منجر به جنایت بر نفس شده است. مانند آنکه سه جانی مستقل از هم سه جنایت قطع دست، قطع پا و موضعه‌ای را بر فردی وارد آورند آنگاه این جنایات منجر به جنایت نفس بر مجنی‌علیه شود «إذا قطع واحد ید إنسان، و آخر رجله، و أوضحه الثالث، فسری الی نفسه» (۱۱) یا گفته می‌شود، مجنی‌علیه به قصاص قطع دستش، دست جانی را قطع می‌کند، آنگاه قطع دست جانی منجر به سرایت جنایت به نفس او می‌شود «إن قطع رجل ید رجل فقطع المجنی علیه ید الجانی ثم اندمل المجنی علیه و سری القطع إلى نفس الجانی» (۱۲)، همچنین مصادیق دیگری که با الفاظ گوناگون، بیانگر قطع دست و سرایت آن به نفس است «لو قطع یده فسری إلى

زده بود و دو ضربت، دو جنایت وارد ساخته بود، من او را ملزم به دو جنایت می‌دانستم...» (۲۳).

سند روایت فوق به درجه اعتبار ناآل آمده است (۲۴). نخستین موضوعی که در روایت فوق نیازمند بحث و بررسی است؛ کشف مرحله سرایت در نص روایت است، صدر روایت بیانگر آن است که با ایراد ضربه به سر، زخمی ایجاد شده و مجنی‌علیه مجنون شده است. نخستین سؤال پیش رو آن است که آیا مجموع ضربه به سر و منتهی شدن به جنون، یک جنایت محسوب می‌شود یا دو جنایت؟ مبتنی بر کلام خود امام باقر (ع) دو جنایت واقع شده است «إِنَّمَا ضَرْبَةُ وَاحِدَةٌ فَجَنَّتِ الضَّرْبَةُ جَنَائِتَيْنِ»؛ اولی، جراحت سر و دومی، جنایت جنون. اکنون که معلوم شد، دو جنایت رخ داده است، باید دید آیا این دو جنایت مستقل از یکدیگر هستند یا جنایت جنون تحت رابطه سببیت، معلول جنایت ضربه وارده بر سر است؟ نص روایت، پاسخ سؤال اخیر را روشن می‌کند؛ زیرا راوی از امام باقر (ع) به صراحت می‌پرسد، «با ستون خیمه بر سر مردی زده شد تا آن که ضربه به مغز او رسیده و عقلش از بین رفته است» نص روایت، جنایت جنون را با حرف «فاء» عطف بر جراحت سر کرده «فَأَجَافَهُ... فَذَهَبَ عَقْلُهُ» که این خود بیانگر رابطه سببیت است (۲۵). همچنین از طرف دیگر، امام باقر (ع) در مقام بیان دیه مجنی‌علیه می‌فرمایند: جانی محکوم به پرداخت دیه شدیدتر می‌شود «فَالزَّامَةُ أَغْلَظُ الْجَنَائِتَيْنِ»، حائز اهمیت است که تنها، وقتی دیه جنایت شدیدتر در دیه جنایت خفیف‌تر تداخل می‌کند که جنایت دوم تحت رابطه سببیت در طول جنایت اول باشد (۲۶). براساس مطالب مذکور معلوم می‌شود، جنایت جنون در روایت مورد بحث، معلول جنایت اول است؛ به سخن دیگر جنایت جنون، اثر و نتیجه جنایت اول بوده، به گونه‌ای که ضربه سر و جنون در مجموع یک جنایت شمرده نمی‌شود بلکه دو جنایت در طول هم هستند «فَجَنَّتِ الضَّرْبَةُ جَنَائِتَيْنِ».

روایت ذریح محاربی

ذریح محاربی گوید: از امام صادق (ع) درباره مردی که جراحت موضعه بر مردی وارد کرد و دیگری جراحت دامیه بر او وارد کرد، سپس آن شخص می‌میرد، پرسیدم، حضرت فرمودند: هر یک از آن دو باید نیمی از دیه را از مال خود بپردازند (۲۷).

روایت مدنظر لحاظ سندی برخوردار از درجه اعتبار است (۲۸)، اما مفاد روایت از این قرار است که دو نفر جراحت موضعه و دامیه‌ای بر شخصی وارد کرده و مجنی‌علیه فوت می‌کند. ناظر بر چیستی دو جراحت موضعه و دامیه، معلوم می‌شود که دو جراحت مذکور مستقل از هم قابلیت آن را که فوت، اثر طبیعی و متوقع آنها باشد را ندارند، بلکه فوت، جنایت دومی است که در اثر عوامل مختلف مانند بیماری‌های تشدیدکننده جراحت در فرد قربانی یا عوامل مکانی و غیره در طول دو جراحت موضعه و دامیه پدید آمده است؛ از این رو است که امام صادق (ع) مجازات جانی را قصاص ندانسته و برای او دیه تعیین می‌کند. آن‌هم فقط دیه فوت نه دیه جراحات زیرا همچنان که اشاره شد، هرگاه دو جنایت در

ماهیت سرایت جنایت است، از این رو است که درباره بحث سرایت جنایت در منابع فقهی، ذیل مراتب ضمان تسبیبی بحث و بررسی می‌شود (۲۱).

تعریف مستقل سرایت جنایت در کلام فقها

تحقیقات صورت گرفته پیرامون تعریف ماهیت سرایت جنایت در منابع فقهی، حاکی از آن است که فقهای اسلامی التفات خاصی نسبت به ارائه تعریف مستقلی از ماهیت سرایت جنایت نداشته و موضوع سرایت جنایت را در قالب مصادیق و مثال‌های متفاوت بحث و بررسی کرده‌اند، با این حال با مذاقه در برخی کتب فقهی می‌توان گروه قلیلی از فقها را یافت که بدون ذکر مصادیق خاصی از سرایت جنایت با تمرکز بر ماهیت سرایت، اهتمام در شرح این ماهیت داشته‌اند (۲۲). هرچند الفاظ تعاریفی که پیرامون سرایت جنایت در منابع محدود فقهی موجود است با یکدیگر متفاوت است، اما همه آن‌ها در بیان دو محور اساسی مشترک هستند. نخست، وجود دو جنایت؛ جنایت اول همان است که در قالب جرح یا ضرب وارد می‌شود و جنایت دوم همان است که در اثر جنایت اول حادث می‌شود. دومین قدر مشترک در تعاریف فوق، کشف رابطه سببیت است. همه تعاریف فقهای امامیه و عامه بیانگر آن است که جنایت اولیه لازم است در اثر عوامل مختلف، سبب در جنایت ثانویه شود. براساس تحقیقات صورت گرفته از مصادیق و تعاریف فقها پیرامون سرایت جنایت، روشن می‌شود، ارکان ماهیت سرایت جنایت از دو مؤلفه حدوث جنایت دوم و وجود رابطه سببیت میان جنایت اول و دوم، تشکیل می‌شود. بنابراین می‌توان معنای ماهیت سرایت جنایت را از دیدگاه فقهای اسلامی این‌چنین به رشته تحریر درآورد: «سرایت جنایت یعنی نفوذ جنایت اولیه به سایر نقاط بدن و پدید آمدن جنایتی مستقل از جنایت اول».

سرایت جنایت در روایات

واژه سرایت و مشتقات آن در هیچ‌یک از روایات باب جنایات قابل رؤیت نیست ولی مفهوم سرایت جنایت در روایات متعددی موجود است که به آن به‌عنوان مؤیدات دو رکن منتج از کلام فقها استناد می‌شود.

روایت ابو عبیده حذاء

ابو عبیده حذاء از امام باقر (ع) روایت می‌کند که از ایشان درباره مردی پرسیدم که با ستون خیمه بر سر مردی یک بار کوبیده تا آن که ضربه به مغز او رسید و عقلش از بین رفت. حضرت فرمودند: اگر مضروب در اثر ضربه نه وقت نماز می‌فهمد و نه آنچه می‌گوید و نه آنچه درباره‌اش می‌گویند، در این صورت یک سال منتظر بمانید. اگر در فاصله یک سال مُرد، ضارب در برابر مضروب قصاص می‌شود ولی اگر در این فاصله نمرد و عقلش هم به او باز نگشت، ضارب در مالش برای از بین رفتن عقل او، ضامن دیه است. ابو عبیده می‌گوید: به امام گفتیم: پس شما در این جراحت به چیزی نظر ندارید؟ حضرت فرمود: نه؛ چراکه او تنها یک ضربت زده و این یک ضربه، دو جنایت وارد کرده است و من او را به سخت‌ترین جنایت ملزم می‌سازم که دیه است ولی اگر دو ضربت به او

طول هم بوده به شکلی که رابطه سببیت احراز شود، دیه جنایت خفیف‌تر در دیه جنایت شدیدتر تداخل می‌کند. وجود دو رکن ماهیت سرایت جنایت یعنی دو جنایت که در طول یکدیگر باشند از روایت بحث‌شده کاملاً مشهود است.

روایت عبدالله

عبدالله روایت می‌کند که از امام علی(ع) دربارهٔ مردی پرسیدند که جراحی به او رسیده است و چند روز یا چند ماه یا بیشتر و یا کمتر می‌ماند و بعداً می‌میرد. حکم کردند: «اگر اولیای دم بینه بیاورند که مجروح در اثر آن جراحی مرده است، دیه ثابت می‌شود.» (۲۹).

روایت فوق از روایات کتاب «الجعفریات» است؛ روایت مدنظر از لحاظ سندی در زمرهٔ روایات قابل اعتماد است، مفاد روایت فوق، همچون روایت پیشین، ناظر بر چگونگی حکم دیه در حق جانی است. همان‌طور که از نص روایت مشهود است. در وهلهٔ نخست، جراحی بر مردی وارد شده است که بعد از مدتی فوت می‌نماید. امام علی(ع) در مقام بیان دیه می‌فرماید: در صورتی که اولیای دم، قادر بر اقامهٔ بینه بوده و اثبات نمایند که فوت در اثر جراحی، حادث گردیده است، دیهٔ فوت مستقر خواهد شد، التفات امام علی(ع) به رابطهٔ طولی در دو جنایت موجود، حاکی از مؤیدات مؤلفه‌های ماهیت سرایت جنایت است. امام علی(ع) در صورتی دیهٔ موت را بر جانی مستقر می‌داند که رابطه سببیت میان جنایت بر نفس و جراحی وارد شده احراز شود.

با تعمق در روایات فوق، بالاخص التفات به یکسان بودن نوع دیات (منظور تداخل دیهٔ خفیف‌تر در دیهٔ شدیدتر است) می‌توان شباهت نوع جنایات را در روایات مذکور با عنوان سرایت جنایت مشاهده کرد و ارکان ماهیت سرایت جنایت را به شرح ذیل استنتاج کرد:

الف) وجود دو جنایت: با مذاقه در روایات مذکور معلوم می‌شود. موضوع سرایت جنایت فقط هنگامی قابل حدوث است که دو جنایت در کار باشد؛ نخست، جنایتی که با ضرب یا جرح در وهلهٔ اول پدید می‌آید. دوم: جنایتی است که در اثر جنایت اول به وسیلهٔ عوامل مختلفی مانند؛ عفونت زخم، ترک مداوا، بیماری‌های شخصی مجنی‌علیه و غیره به وقوع می‌پیوندد. بر این اساس اولین رکن ماهیت سرایت جنایت در روایات، وجود دو جنایت است که هرچند، جنایت دوم در طول جنایت اول است اما به دلیل ماهوی، مستقل از یکدیگرند. در روایت ابو عبیده حذاء، هرچند ذهاب عقل به‌عنوان جنایت دوم، اثر جراحی سر است، اما از جهت ماهیت جنایت با جراحی سر کاملاً متفاوت است، همچنین است در دو روایت دیگر زیرا نوع جنایت جراحی موضعه و دامیه با جنایت بر نفس متفاوت است.

ب) رابطهٔ سببیت: آن‌چنان که گذشت، نخستین رکن ماهیت سرایت جنایت، وجود دو جنایت است، اما دومین رکن ماهیت سرایت جنایت، رابطهٔ سببیت میان آن دو جنایت است، امام علی(ع) در روایت ابو عبیده حذاء می‌فرماید: جانی یک ضربه زده اما دو جنایت پدید آمده است. براین

اساس، امام(ع) جانی را ضامن دیهٔ ذهاب عقل دانسته و دیه جراحی سر را در دیه ذهاب عقل داخل می‌داند. اشاره شد که تداخل دیات، مختص به مواردی است که جنایت دوم در طول جنایت اول باشد، امام علی(ع) در روایت منقول از کتاب جعفریات به صراحت شرط می‌کند: اگر اولیای دم توانستند به واسطهٔ بینه، فوت را اثر جراحی وارده بدانند، دیه فوت ثابت خواهد شد «إِنَّ أَقَامَ أَوْلِيَاءَ الْمَجْرُوحِ بَيْنَهُ أَنَّهُ مَاتَ مِنْ تِلْكَ الْجِرَاحَةِ صَارَتِ الدِّيَةُ» (۳۰).

سرایت جنایت در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

موضوع سرایت جنایت در قانون مجازات اسلامی در عناوین دیهٔ مقدر اعضا، قواعد عمومی دیهٔ منافع، تداخل جنایات، تداخل و تعدد دیات و... موضوع قانون‌گذاری قرار گرفته است. علی‌رغم اینکه سرایت جنایت، به شکل مستقیم یا ضمنی موضوع مواد متعددی از قانون مجازات اسلامی قرار گرفته است، اما قانون‌گذار التفات خاصی به تعریف ماهوی سرایت از منظر قانون نداشته و تنها به بیان احکام و آثار سرایت جنایت پرداخته است. بر این اساس تنها راهی که می‌تواند کاشف دیدگاه قانون‌گذار پیرامون ماهیت سرایت جنایت باشد، ارزیابی مواد قانونی مرتبط با سرایت جنایت در کتاب قانون است.

ارزیابی مواد مرتبط با موضوع سرایت جنایت

هرچند مواد متعددی از کتاب قانون مجازات اسلامی به موضوع سرایت جنایت اختصاص یافته است (ر.ک: مواد؛ ۵۴۰، ۲۹۶، ۵۳۷، ۶۰۶، ۳۰۰، ۴۴۰، ۳۹۴)، لکن جهت ارزیابی ماهیت سرایت جنایت در قانون مجازات اسلامی می‌توان مواد ۵۴۷، ۶۷۳ و ۵۳۹ را که صراحت بیشتری در ارائهٔ ماهیت سرایت جنایت دارند مورد ارزیابی قرارداد.

مذاقه در قوانین فوق، راه کشف ماهیت سرایت جنایت را از نگاه قانون‌گذار هموار می‌سازد، مقنن در تمام مواد مذکور با التفات به دو محور اساسی وجود دو جنایت و احراز رابطهٔ سببیت، اقدام به بیان قوانین ناظر بر سرایت جنایت کرده است. محور نخست: وجود دو جنایت؛ مادهٔ ۵۴۷ ق.م.ا از این قرار است که «هرگاه جراحی عمیقی مانند منقله و یا جائفه یک‌باره واقع شود، تنها دیهٔ همان جراحی عمیق پرداخت می‌شود و اگر به تدریج واقع شود یعنی ابتدا جراحی خفیف‌تر مانند موضعه و سپس جراحی شدیدتر مانند منقله ایجاد شود چنانچه به سبب سرایت جراحی اول باشد، تنها دیه جراحی شدیدتر پرداخت می‌شود و در صورتی که به سبب ضربه دیگری باشد، خواه دو ضربه از یک نفر خواه از چند نفر باشد، هریک از دو جراحی، دیه‌ای جداگانه دارد.» با تدقیق در ماده مذکور می‌توان دریافت که قانون‌گذار با ذکر دو جنایت موضعه و جائفه، به صراحت، تحقق سرایت جنایت را منوط به وجود دو جنایت می‌کند که هرکدام از آن دو جنایت از جهت ماهیت تحت عنوان مستقلی از عنوان جنایت دیگر قرار می‌گیرد، توجه به عبارت قانونی «ابتدا جراحی خفیف‌تر مانند موضعه و سپس جراحی شدیدتر مانند منقله ایجاد شود»، وجود دو جنایت مستقل را برای تحقق ماهیت

شده باشند، ولی قانون‌گذار رابطه سببیت را در ماده مورد بحث با واژه «اثر» شرط کرده است «هرگاه مجنی‌علیه در اثر سرایت صدمه یا صدمات غیر عمدی فوت نماید...»، اما همین رابطه سببیت در ماده ۵۴۷ با واژه «سبب» شرط شده است. «چنانچه به سبب سرایت جراحت اول باشد تنها دیه جراحت شدیدتر پرداخت می‌شود».

براساس ارزیابی‌های فقهی، روایی و قانونی می‌توان دریافت که ماهیت سرایت متشکل از دو شرط ذیل است:

الف) وجود دو جنایت: نخستین شرط برای تحقق ماهیت سرایت جنایت، وجود دو جنایت است که لازم است از جهت ماهوی، مستقل از یکدیگر باشند؛ مانند آنکه جنایت اول تحت عنوان موضعه باشد و جنایت دوم با عنوان منقله باشد یا اینکه جنایت اول با عنوان متلاحمه باشد و جنایت دوم با عنوان قطع عضو یا جنایت بر نفس باشد.

ب) رابطه سببیت: شرط دوم که ماهیت سرایت جنایت را محقق می‌سازد، احراز رابطه سببیت است. اینکه جنایت دوم، اثر و سبب جنایت اول باشد، شرط اساسی و اجتناب‌ناپذیر ماهیت سرایت جنایت است. اساساً وجود رابطه سببیت، آن‌چنان‌که در ادله فقهی و مواد قانونی بدان اشاره شد، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های ایجاد جرم، تعقیب مجرم و اثبات جرم است موضوع سبب و مسبب از مسائلی است که در نظام‌های حقوقی کشورهای توسعه‌یافته به آن توجه شده است برای مثال در حقوق کامن‌لا متهم مسئول مرگ قربانی خواهد بود اگر زنجیره اسباب، بین فعل متهم و نتیجه مد نظر برقرار باشد، حتی اگر جرم واقع شده، نتیجه غیرمستقیم رفتار متهم باشد. در حقوق کامن‌لا در رابطه با موضوع سببیت سه قاعده اصلی به شرح ذیل وجود دارد:

۱- اگر رفتار متهم نبود نتیجه واقع نمی‌شد؛ به عبارت دیگر نتیجه در اثر رفتار متهم رخ داده است (قاعده But for).

۲- رفتار متهم باید بیشتر از سبب جزئی و ناچیز در تحقق نتیجه باشد.

۳- فقدان سبب قاطع به‌شکلی که زنجیره اسباب بین فعل و نتیجه گسسته شود.

آن‌چنان‌که مشهود است به رابطه سبب و مسبب در حقوق کامن‌لا مورد توجه شده است و ناظر بر آن، احکام حقوقی متفاوت خواهد بود. حائز اهمیت است که اثبات موضوع سببیت در حقوق کامن‌لا در دو مرحله سببیت واقعی و سببیت قانونی صورت می‌پذیرد.

در سببیت واقعی، فعل متهم باید «علت ضروری» نتیجه باشد. به عبارت دیگر بدون فعل متهم نتیجه محقق نمی‌شد. در سببیت واقعی این سؤال باید پرسیده شود که آیا اگر فعل متهم نبود نتیجه رخ می‌داد یا خیر؟ یکی از پرونده‌های مطرح در این زمینه پرونده (CA ۱۲ KB ۲ (۱۹۱۰) R v. White) است. در این پرونده متهم قصد کشتن مادرش را داشت؛ او نوشیدنی مادرش را مسموم کرد اما بعد مشخص شد مادرش قبل از اینکه سم

سرایت، به صراحت آشکار می‌سازد.

همچنین قانون‌گذار طی ماده ۶۷۳ ق.م.ا مقرر کرده است که «هرگاه جنایتی که موجب زوال یکی از منافع شده است، سرایت کند و سبب مرگ مجنی‌علیه شود دیه منفعت در دیه نفس تداخل می‌کند و تنها دیه نفس قابل مطالبه است.» با مذاقه در نص ماده مذکور، می‌توان وجود دو جنایت مستقل از یکدیگر را به صراحت مشاهده کرد؛ زیرا قانون‌گذار مقرر می‌کند که اگر «جنایتی که موجب زوال یکی از منافع شده است سرایت کند و سبب مرگ مجنی‌علیه شود» بدیهی است که جنایت نفس، مستقل از جنایت نخست بوده و ماهیت آن مستقل از یکدیگر هستند. بنابراین شرط وجود دو جنایت از ماده ۶۷۳ ق.م.ا مشهود است. با تتبع در همه مواد مرتبط با سرایت جنایت، وجود دو جنایت که هرکدام دارای ماهیت مستقل از هم هستند، قابل رؤیت است.

اما دومین محوری که قانون‌گذار در همه مواد سرایت جنایت به آن التفات کرده است، رابطه سببیت است. قانون‌گذار احراز رابطه سببیت را برای تحقق سرایت جنایت از شروط اساسی ماهیت سرایت جنایت برشمرده است. تعمق در دو ماده مذکور یعنی ماده‌های ۵۴۷ و ۶۷۳ شرط احراز رابطه سببیت را میان جنایات اول و دوم به روشنی معلوم می‌کند. قانون‌گذار طی ماده ۵۴۷ تداخل دیه جراحت موضعه را در دیه جراحت منقله، تنها هنگامی جایز دانسته و آن را سرایت جنایت می‌داند که جراحت منقله، مسبب جراحت موضعه باشد «اگر...ابتدا جراحت خفیف‌تر مانند موضعه و سپس جراحت شدیدتر مانند منقله ایجاد شود، چنانچه به سبب سرایت جراحت اول باشد، تنها دیه جراحت شدیدتر پرداخت می‌شود». همچنین است در ماده ۶۷۳ که قانون‌گذار تنها هنگامی احکام و آثار سرایت جنایت، یعنی تداخل دیه خفیف‌تر را در دیه شدیدتر حکم می‌کند که رابطه سببیت میان جنایت اول و جنایت دوم برقرار باشد «هرگاه جنایتی که موجب زوال یکی از منافع شده است، سرایت کند و سبب مرگ مجنی‌علیه شود دیه منفعت در دیه نفس تداخل می‌کند».

آن‌چنان‌که بیان شد، قانون‌گذار به صراحت، به دو شرط وجود دو جنایت مستقل از هم و شرط احراز رابطه سببیت اشاره صریح نکرده است، ولی با ارزیابی مواد مرتبط با سرایت جنایت، آن دو شرط مذکور قابل رؤیت و کشف هستند اما باید در نظر داشت که قانون‌گذار گاهی در مواد متعدد مرتبط با سرایت از واژگان مختلف بهره جسته است که این امر هرچند موجبات ابهام را فراهم ساخته است، ولی با دقت نظر می‌توان، اتحاد مفهوم را در همه ماده‌های مرتبط با سرایت جنایت کشف کرد (ر.ک: ۵۳۷، ۶۰۶، ۳۰۰، ۴۴۰، ۳۹۴)، قانون‌گذار طی ماده ۵۳۹ مقرر کرده است: «هرگاه مجنی‌علیه در اثر سرایت صدمه یا صدمات غیر عمدی فوت نماید یا عضو یا اعضای او قطع شود یا آسیب بزرگ‌تری ببیند...ضامن خواهد بود»، قانون‌گذار در ماده مذکور در صورتی جانی را ناظر بر سرایت جنایت، ضامن فوت، قطع عضو یا آسیب بزرگ‌تر می‌داند که جنایت‌های مذکور در اثر جنایت اولیه ایجاد

در حد چند ساعت، قابلیت مصداق گذشت زمان در تحقق سرایت جنایت را دارد؟

تأمل در برخی از مصادیق فقهی و روایی، حاکی از آن است که تحقق ماهیت سرایت، بدون گذشت زمان متصور نیست. علاوه بر مصادیق موجود باید گفت، فهم عرفی هم اقتضای این گذشت زمان را داشته و مفهوم گذشت زمان به نوعی در واژه سرایت مستتر است. سیاق مواد ۳۰۰ و ۴۴۰ قانون مجازات اسلامی، حاکی از گذشت زمان برای تحقق سرایت جنایت است؛ اما با این وجود نمی‌توان گفت گذشت زمان یکی از ارکان تحقق ماهیت سرایت جنایت است زیرا آن‌چنان که گفته شد دو شرط اصلی ماهیت سرایت جنایت وجود دو جنایت و رابطه سببیت است. بر این اساس هرگاه برای متخصصان امر، همچون کارشناسان پزشکی قانونی، رابطه سببیت میان جنایت دوم و جنایت اول احراز شود، در این صورت سرایت جنایت به وقوع پیوسته است؛ خواه زمانی گذشته یا نگذشته باشد. از بین رفتن شنوایی در اثر قطع گوش ممکن است بلافاصله و بدون گذشت زمان حادث شود ولی در کلام فقها از آن با عنوان سرایت جنایت نام‌برده می‌شود «لو قطع الأذن مثلاً فسری إلى السمع» (۳۱). اما آنچه غیرقابل انکار است، مسئله گذشت زمان در بسیاری از وقوع سرایات جنایت است بنابراین هرچند مسئله گذشت زمان از ارکان ماهیت سرایت جنایت نیست اما آن را می‌توان از ملزومات شایع سرایت جنایت دانست. لازم به ذکر است که اشاره به گذشت زمان در مواد ۳۰۰ و ۴۴۰ قانون مجازات اسلامی تنها بیانگر گذشت زمان به‌عنوان ملزومات شایع ماهیت سرایت جنایت است نه از ارکان ماهیت. ولی لازم به توجه است، گذشت زمان حتی به‌عنوان ملزومات شایع، اختصاص به مدت‌زمان قابل توجهی ندارد بلکه در کوتاه‌ترین گذشت زمان هم قابل حدوث است (۳۲)؛ زیرا آنچه ملاک تحقق سرایت جنایت است، احراز رابطه سببیت میان جنایت دوم و جنایت اول است، خواه مدت‌زمان زیادی گذشته یا نگذشته باشد و یا به‌شکل اساسی بدون گذشت زمان باشد.

در حقوق انگلستان و پیش از سال ۱۹۹۶ هم قاعده‌ای موسوم به قاعده «یک سال و یک روز» وجود داشت که براساس آن اگر قربانی، در اثر جراحت اولیه مجروح می‌شد، تنها در صورتی قتل عمد، منتسب به متهم تلقی می‌شد که در طول یک سال و یک روز قربانی کشته می‌شود. در صورتی که قربانی بیش از این مدت زنده می‌ماند حتی در صورتی که پس از مدتی فوت می‌کرد، اتهام قتل عمد پذیرفتنی نبود و اتهام شروع به قتل عمد قابل تعقیب بود (۳۳). این قاعده به‌ویژه برای پیشرفت‌های پزشکی مدرن و امکان مراقبت‌های طولانی‌تر از بیماران در معرض انتقاد حقوقدانان قرار داشت. از این‌روی طرحی مبنی بر لغو این قاعده از سوی «کمیته منتخب مربوط به امور داخلی»^۱ در مجلس عوام و کمیسیون حقوقی مجلس عوام، به مجلس ارائه شد که بر این اساس و در «قانون اصلاح قوانین»^۲ (۱۹۹۶)، این قاعده لغو شد. هرچند در صورتی که مرگ بیش از سه سال بعد از فعل یا ترک فعل کشنده رخ داده باشد، رضایت دادستان کل برای

اثر کند در اثر نارسایی قلبی فوت کرده بوده است. سببیت قانونی صرفاً برقراری رابطه اولیه بین فعل و نتیجه است و در صورتی که اسباب مختلف وجود داشته باشند، براساس سببیت واقعی نمی‌توان سبب مسئول را تشخیص داد. در سببیت قانونی باید به دنبال شناسایی مؤلفه‌هایی بود که بتوان براساس آن‌ها، سبب مسئول و سهم هر سبب را مشخص کرد. در این رابطه، سه عامل تقصیر، مسئولیت و پیش‌بینی‌پذیری می‌تواند در شناسایی سبب مقتضی راهگشا باشند در این مورد در پرونده (۱۹۸۳) R v. Pagett (۲۷۹ Cr App R ۷۶) (CA) متهم به منظور فرار از دست پلیس از دوست‌دختر حامله خود به‌عنوان سپر انسانی در برابر تیراندازی پلیس استفاده کرد. در حین تیراندازی متقابل، این دختر کشته شد. دادگاه متهم را مسئول شناخت هرچند او شخصاً به دختر جراحی وارد نکرده بود اما دادگاه بدین سبب که قتل نتیجه قابل پیش‌بینی رفتار او بوده است، او را مسئول شناخت. بنابراین ضرورت ندارد که رفتار متهم تنها سبب نتیجه یا حتی سبب اصلی نتیجه باشد مشروط بر اینکه آن سبب به‌نحو مؤثری موجب نتیجه شده باشد. در واقع در این پرونده رفتار متهم سرزنش‌بارترین رفتار بوده است.

لازم به ذکر است که سبب قاطع و مداخله‌کننده در حقوق کامن‌لا، اشاره به سببی است که بعد از فعل متهم اتفاق می‌افتد و زنجیره سبب‌ها را قطع می‌کند و از مسئولیت متهم برای نتیجه‌اش می‌کاهد. قابل توجه است که تنها در دو صورت است که اوضاع و احوال می‌تواند این زنجیره را قطع کند؛ آن اوضاع و احوال، سبب قاطع و مؤثر مرگ باشد و یا آن اوضاع و احوال، اتفاقی و غیرقابل پیش‌بینی باشد. همچنین، سبب حائل می‌تواند سه منشأ داشته باشد؛ فعل قربانی، فعل شخص ثالث و سایر حوادث.

ارزیابی شرط بودن رکن زمان در تحقق ماهیت سرایت

برخی از مصادیق سرایت جنایت در منابع فقهی، بیانگر آن است که تحقق ماهیت سرایت، نیازمند گذشت زمان است؛ مانند آنکه گفته می‌شود: مسلمانی دست ذمی را قطع کرده و بعداً فرد ذمی مسلمان شده است، آنگاه جراحت سابق، سرایت بر نفس او کند، یا اینکه، مجنی‌علیه ترک مداوا کرده و جراحت کوچک، سبب جنایت بر نفس می‌شود. همچنین است در برخی از روایات که جراحت موضعه و دامیه بر مجنی‌علیه وارد آمده آنگاه بعد از چند روز یا چند ماه، مجنی‌علیه فوت می‌کند. ابهام پیش‌آمده پیرامون آن است که آیا به علت مصادیقی که ذکر شد، می‌توان گذشت زمان را به‌عنوان یکی از ارکان ماهیت سرایت برشمرد یا خیر؟ ابهام دیگری که مترتب بر ابهام مذکور است، پیرامون گستره گذشت زمان است؛ در صورتی که گذشت زمان به‌عنوان یک شرط اصلی، جزء ارکان ماهیت سرایت جنایت باشد، آیا لازم است زمان قابل توجهی از ایجاد جنایت اول گذشته تا جنایت دوم در اثر سرایت پدید آید؟ یا اینکه گذشت زمان کم ولو

1. Select Committee on Home Affairs

2. Law Reform Act

سرایت است، ولی ادله فقهی - حقوقی، گذشت زمان را یک شرط مستقل و لازم الوقوع، برای تحقق ماهیت سرایت جنایت محسوب نکرده‌اند و در نهایت موضوع گذشت زمان را بر اساس مصادیق متنوع آن تنها می‌توان از ملزومات شایع سرایت جنایات دانست. بنابراین اگر فردی هدف جنایتی واقع گردید و در وهله نخست ضربتی به او وارد آمد و بلافاصله وی دچار جنایت دومی شد که آن جنایت دوم اثر و سبب جنایت نخست بود، احکام سرایت جنایت ثابت است.

سپاسگزاری

نویسندگان از کلیه عزیزانی که در انجام این مطالعه، آن‌ها را یاری کردند، تشکر و قدردانی می‌کنند.

تعارض در منافع

بین نویسندگان هیچ‌گونه تعارضی در منافع وجود ندارد.

تعقیب متهم ضروری است (۳۴). در استرالیا نیز ایالت‌هایی مانند ویکتوریا این قاعده را در سال ۱۹۹۱ در بخش سه «قانون جرائم»^۱ لغو کرده بودند و تنها ایالتی که کماکان این قاعده را حفظ کرده کوینزلند است (۳۵).

نتیجه‌گیری

ارزیابی از منابع فقهی، روایی و قانونی مبین دو شرط اساسی برای تحقق ماهیت سرایت جنایت هستند:

الف- وجود دو جنایت: منظور از دو جنایت این است که ماهیت هر جنایت لازم است مستقل از جنایت دیگر باشد؛ مانند اینکه جنایت نخست، با عنوان جراحت موضعه باشد و جنایت دوم با عنوان جراحت منقله یا قطع عضو و یا جنایت بر نفس باشد.

ب- احراز رابطه سببیت: هرگاه متخصصان امر تشخیص دادند که جنایت دوم یا جنایت سوم، اثر و سبب جنایت قبل از خود بوده بنابراین شرط دوم ماهیت سرایت جنایت تحقق یافته است.

هرچند مسئله گذشت زمان به نحوی مستتر در اصطلاح

1. Crimes (Year-and-a-Day Rule) Act 1991, s 3

References

- Al-Raghib Al-Isfahani H. Mufradat Alfaz Al-Qur'an. Lebanon-syria: Dar al elm; 1992.207.
- Ibn al-Athir M. Al-Nihayah. Beirut: Dar al-Ma'rifah; 2011.
- Helli A. Muntahi Al-Matlab. Mashhad: The institution of Astan Qods Radavi; 1992.
- Al Kulayni M. Al-Kafi. 4th ed. Vol.7. Tehran: Dar Al kotob Al Islamiye; 1987.308.
- Ibn Abidin M. Radd Al-Muhtar Ala Ad-Dur Al-Mukhtar. Vol 2. Beirut: Alam Al-Kotob; 2009.199.
- Mufid M. Al-Muqni'ah. Qom: 1000 th Anniversary International Congress of Sheikh Mufeed; 1992.770.
- Zuhayli M. Al-Fiqh Al-Islami wa Adilataha. Vol 6. Damascus: Islamic Jurisprudence and its Proofs. 1984.368.
- Hashemi Shahroudi M, et al. Farhang Feghh. Vol 3. Qom: Institute of Encyclopedia of Islamic Jurisprudence; 2005.120.
- Al Bahuti M. Kashaf Al-Qana. Vol 5. Beirut: Shafee; 1997.593.
- Oudah A. Al Tashri Al Jinaei. Vol 1. Beirut: Dar al Toras; 2008. 67.
- Farahidi Kh. Kitab al-'Ayn. 2nd ed. Vol 7. Qom: Hejrat Publication; 1990.291.
- Al-Mawsoo'ah al-Fiqhiyyah. 3rd ed. Vol 24. Kuwait: Ministry of Awqaf and Islamic Affairs- Dar al Salasel; 2006.284.
- Sahib ibn Abbad I (Kafi al-Kofat). Al Mohit fi al Logha. Vol 8. Beirut: Alam al ketab; 1993. 371.
- Al-Mukhtar Al Shinqitee M. A Commentary on Zad al-Mustaqni. Vol 3. Audio Lessons Down-loaded by the Islamic Network. 358.
- Tusi M. Al-Mabsut. 3rd ed. Vol.7. Tehran: al maktabat al mortazavyeh; 1387. 65. [Arabic]
- Farahidi kh. Kitab al-'Ayn. 2nd ed. Vol 7. Qom: Hejrat Publication; 1990.291.
- Dehkhoda A. Farhang Dehkhoda. Tehran: Publication of Management and Planning of the Country; 1963.2345.
- Khodaparasti F. Acomprehensive Dictionary of Persian Synonyms & Antonyms. Shiraz: Danesh-name Fars; 1998.236.
- Al-Mawsoo'ah Al-Fiqhiyyah. 3rd ed. Vol 24. Kuwait: Ministry of Awqaf and Islamic Affairs-Dar al Salasel; 2006.285.
- Hashemi Shahroudi M, et al. Farhang Feghh. Vol 4. Qom: Institute of Encyclopedia of Islamic Jurisprudence; 2005.425.
- Tusi M. Al-Khilaf. Vol 5. Qom: Islamic Publishing Firm; 1987.158.
- Ibn Boraj A. Al Mohzab. Vol 2. Qom: Islamic Publishing Firm; 1986.463.
- Hilli H. Mukhtalaf al-Shia fi Ahkam al-Sharia. 2nd ed. Vol 9. Qom: Islamic Publishing Firm; 1992.461.
- Helli Ibn Idris M. Al Saraer Al Havi le Tahrire al Fatawi. 2nd ed. Vol 3. Qom: Islamic Publishing Firm; 1990.413.
- Tusi M. Al-Mabsut. 3rd ed. Vol 7. Tehran: Al Maktabat al Mortazaviaeh; 2009.65.
- Tusi M. Al-Mabsut. 3rd ed. Vol 7. Tehran: Al Maktabat al Mortazaviaeh; 2009.67.
- Najafi MH. Javaher ol-Kalam. 7nd ed. Vol 42. Beirut: Dar ehya Al Toras Al Arabi; 1984.336.

27. Al Jaziri A, Gharawii S, Mazih Y. Al Fiqh 'ala al Mazahib al Arba'ah. Vol 5. Beirut: Dar al-Thaqalayn; 1998.448.
28. Helli H. Tahrir al Ahkam al Shareea ala Mazhab Al Imamiyah. Vol 5. Qom: Institute of Imam Sad-eq; 1999.640.
29. Ameli Z (Shahid Thani). Al Rawda al Bahiya. Vol 10. Qom: Davaree Bookshop; 1990.21.
30. Najafi MH. Javaher ol-Kalam. 7nd ed. Vol 42. Beirut: Dar Ehya Al Toras Al Arabi; 1984.159.
31. Ameli M (Shahid-al-Aval). Ghayat al Morad. Vol 4. Qom: Publication Islamic Propagation Center of Howzah of Qom; 1993.350.
32. Tusi M. Al-Mabsut. 3nd ed. Vol 7. Tehran: Al Maktabat Al Mortazaviyeh; 2009;284.
33. Fazil Hindi B. Kashf Al-lesam va Al-Ebham An Qawaed Al-Ahkam. Vol 11. Qom: Islamic Publishing Firm; 1995.178.
34. Ameli Z (Shahid Thani). Masalek al Afham. Vol 15. Qom: Al Maaref al Islamiyah; 1392.146.
35. Fazil Hindi B. Kashf Al-lesam va Al-Ebham An Qawaed Al-Ahkam. Vol 11. Qom: Islamic Publishing Firm; 1995.178.
36. Khomeini R. Tahrir al Vassileh. Vol 2. Qom: Dar Al Elm; 2003.549.
37. Helli H. Mukhtalaf al Shia fi Ahkam al Sharia. 2nd ed. Vol 3. Qom: Islamic Publishing Firm; 1992.631. 38.
38. Sabzevari SA. Mohazab al Ahkam. 4nd ed. Vol 29. Qom: Al Menar Institute; 1992.40.
39. Abd al Rahman M. Moajam al Mostalahat. Vol 2. Qom: Dar al Fazilah; 1998.260.
40. Khomeini R. Tahrir al Vassileh. Vol 2. Qom: Dar al Elm; 2003.574.
41. Lankarani M. Tafsil al Sharia fi Sharh Tahrir al Vassileh. Qom: Jurisprudential Center of Aeme Athar; 1997.138.
42. Al Jaziri A, Gharawii S, Mazih Y. Al Fiqh 'ala al Mazahib al Arba'ah. Vol 5. Beirut: Dar al-Thaqalayn. 1998.493.
43. Ghyiasi J. Indirect Causation in Criminal Law. 2nd ed. Tehran: Jungle Publications; 2012.39-41.
44. Al Sadr MS. Ma Wara al-Fiqh (What is behind Jurisprudence). Vol 9. Beirut: Dar al Azvae; 1999.257.
45. Al-Mukhtar Al Shinqitee M. A Commentary on Zad al-Mustaqni. Vol 3. Audio Lessons Downloaded by the Islamic Network. 358.
46. Abd al Rahman M. Moajam al Mostalahat. Vol 2; 260.
47. Oudah A. Al Tashri Al Jinaei. Vol 1. Beirut: Dar al Toras; 2008.252.
48. Al-Mawsoo'ah al-Fiqhiyyah. 3nd ed. Vol 24. Kuwait: Ministry of Awqaf and Islamic Affairs- Dar al Salasel; 2006.284.
49. Al Mardini SH. Al Anjom Al Zaherat ala Halle Alfaz al Varaghat fi Oosool al Fegh. 3nd ed. Vol 1. Riyadh: Maktaba al Roshd; 2004.238.
50. Ibn Jabrin A. Sharh Akhsar al Mukhtasarat. Vol 77. 37.
51. Al Kulayni M. Al-Kafi. 4nd ed. Vol 7. Tehran: Dar Al kotob Al Islamiye; 1987.325.
52. Majlesi M. Mirat al Oqool. 2nd ed. Vol 24. Tehran: Dar al Kotob al Islamiye; 1987.113.
53. Noorae Y, Sadeghi MH. Legal-Judicial Study of the Verdict on Multiple Crimes Resulting From a Single Strike. Fegh & Osool. 2014;96:185-98.
54. Khoei A. Mabani Takmelat al Menhaj. Vol 42. Qom: Imam Alkhoei; 2001.428.
55. Madani kashani R. ketab al Dyat. Qom: Islamic Publishing Firm; 1988. 265.
56. Tusi M. Al-Khilaf. Vol 10. Qom: Islamic Publishing Firm; 1987.292.
57. Ghyiasi J. Indirect Causation in Criminal Law. 2nd ed. Tehran: Jungle Publications; 2012.39-41.
58. Ibn Ash'ath M. Al Jaafariyat. Tehran: Ninavi al-Haditha; 121.
59. Ibn Ash'ath M. Al Jaafariyat. Tehran: Ninavi al-Haditha; 121.
60. Khomeini R. Tahrir al Vassileh. Vol 2. Qom: Dar al Elm; 2003.574.
61. Lankarani M. Tafsil al Sharia fi Sharh Tahrir al Vassileh. Qom: Jurisprudential Center Aeme Athar; 1997.138.
62. Al Jaziri A, Gharawii S, Mazih Y. Al Fiqh 'ala al Mazahib al Arba'ah. Vol 5. Beirut: Dar al-Thaqalayn; 1998.493.
63. Moghadas Ardibil A. Majma al Faedeh va al Borhan. Vol 14. Qom: Islamic Publishing Firm; 1983.125.
64. Jefferson M. Criminal Law. 8nd ed. London: Pearson Education; 2007.257.
65. Padfield N. Criminal Law. 8nd ed. Oxford: Oxford University Press; 2012.198.
66. Jefferson M. Criminal Law. 8nd ed. London: Pearson Education; 2007.441.